

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایاده سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام

تکیه‌گاه عمده‌ی من در این بحث جلد چهارم و سوم بحارالانوار است که به شخصیت مقدّس حضرت زهرا علیها السلام اختصاص دارد و اواخرش هم وارد بحث حسین علیه السلام می‌شود.

مقدمتاً برای عزیزانی که شاید کمتر مستقیم خودشان با بحارالانوار مرتبط بودند عرض می‌کنم، بحارالانوار که کتابی صد و ده جلدی است کتاب بسیار عظیمی است و مرحوم مجلسی رحمته الله خدمت بسیار بزرگی خدا عنایت کرد که به مکتب اهل بیت علیهم السلام کند، ایشان در زمان حیات خودش با امکاناتی که شرایط روز در اختیارش قرار می‌داد تمامی کتب روایی شیعه را جمع‌آوری کرد یک کاری که ما امروز به زبان کامپیوتر به آن بانک اطلاعاتی می‌گوییم، یک بانک اطلاعاتی خیلی منظم از روایات شیعه درست کرد، یعنی بحارالانوار حدیثی که از کتاب دیگری نقل شده باشد خیلی کم دارد عمده‌ی احادیث بحارالانوار در کتب مختلف شیعه پراکنده هست منتها کار بزرگی که ایشان کرد این بود که روایاتی که پراکنده بود موضوع‌بندی کرد و در قالب این صد و ده جلد کتاب بسیار ارزشمند و عظیم این روایت‌ها را دسته‌بندی کرد لذا الآن شما راجع به هر موضوعی در مجموعه‌ی معارف اسلامی اطلاعاتی بخواهید داشته باشید می‌توانید در قالب فهرست بحارالانوار به آن بخش مربوطه مراجعه کنید، می‌بینید آیاتی که در آن موضوع وجود دارد را ایشان به ترتیب آورده، تفاسیر آن آیات را از کتاب‌های تفسیر نقل کرده و روایاتی که ذیل آن آیات هست و بعد هم روایات و احادیثی که در منابع مختلف شیعه در آن بحث آمده را ذکر کرده که خیلی کار ارزشمندی است و انسان را از مراجعه به بسیاری از کتاب‌های دیگر بی‌نیاز کرده است مضافاً بر اینکه کار ارزشمند ایشان این است که بخش بسیاری از کتاب‌هایی که مرحوم مجلسی در زمان خودش به آن دسترسی داشته، اینها الآن از بین رفته و در اختیار ما نیست و اگر این کار ارزشمند مرحوم مجلسی نبود که روایات آن کتاب‌ها را در قالب بحارالانوار آورد امروز آن روایات از دسترسی ما خارج شده بود لذا این مجموعه‌ی بحارالانوار کتاب بسیار عظیم القدری است و ان‌شاءالله باید قدر این کتاب را دانست و برای مرحوم مجلسی هم از خدای متعال طلب انوار و مغفرت و رحمت الهی را کرد که چنین مجموعه‌ی ارزشمندی را برای شیعه به‌جای گذاشته است، متأسفانه گاهی اوقات افرادی که جاهلند اصلاً خود کتاب را ندیده‌اند با این کتاب آشنا نیستند، او را سبک تلقی می‌کنند و جسارت‌های جاهلانه‌ای نسبت به این کتاب دارند.

صحبتیم را با یک حدیثی از وجه تسمیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام شروع می‌کنم حدیثی را از صفحه‌ی ۶۵ جلد ۴۳ می‌خوانم:

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةَ. ذِيلَ آيَةِ شَرِيفِهِ أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، امام صادق عليه السلام فرمودند: مقصود از لילה فاطمه‌ی زهرا عليها السلام است. تأویل لیل در قرآن وجود مطهر و مقدس حضرت زهرا عليها السلام است. چون همان‌طوری که شب مخزن اسرار است، همه‌جا را تاریکی گرفته و در شب، حقایق در عالم طبیعت دیده نمی‌شود لیل عالم وجود، وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام است، اسرار حضرت حق در وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام مکنون و مخفی است، غیب عالم وجود است در عالم ظاهر هم وجود حضرت زهرا عليها السلام لیل است چون شناخته نشده، وجودش اسرارآمیز است. حقیقت وجود حضرت زهرا عليها السلام را احدی جز خود اهل بیت علیهم السلام پی نبرده که چه هست؟ همه بزرگانی که زحمت کشیده‌اند تألیفاتی دارند، تحقیقاتی دارند همه در حدّ اندیشه و فهم خودشان است اما حقیقت وجود حضرت زهرا عليها السلام برای دیگران دست نیافتنی است. لذا امام صادق عليه السلام فرمودند: در إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةَ: مقصود از لילה و شب در این آیه وجود مطهر حضرت فاطمه عليها السلام است و الْقَدْرُ اللَّهُ و مقصود از تأویل قدر هم ذات مقدس احدیت است پس معنای تأویل لילה القدر روشن شد بعد حضرت عليها السلام فرمودند: فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ. هرکس حضرت فاطمه عليها السلام را به حق معرفتش درک کند این فرد لילה القدر را درک کرده، و إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخُلُقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا. ^۱ به این خاطر وجود مقدس حضرت فاطمه‌ی زهرا عليها السلام فاطمه نامیده شد چون خلق از معرفت وجود مطهر فاطمه‌ی زهرا عليها السلام محرومند، بریده شده‌اند. یعنی راهی به شناخت این سر بزرگ عالم هستی نیست همه‌ی خلق راه برایشان بسته، آن معرفت راستین حضرت زهرا عليها السلام برای خلق امکان‌پذیر نیست مگر اینکه خلق در سیر عرفانی خودشان به جایی برسند که این پوسته‌ی خلقی خودشان را رها کنند، از هویت مخلوقیت خودشان رها شوند و در وجود مقدس حضرت حق جل و علا فانی شوند، آنجاست که می‌توانند حقیقت فاطمی عليها السلام را ملاقات کنند و الا این معرفت اکتسابی و این بحث‌ها و به کمک آیات و روایات و استدلال‌های عقلی در وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام هیچ‌کس را به آن قلّه‌ی وجود حضرت عليها السلام نمی‌تواند برساند. من یک مثالی در مورد معرفت اهل بیت علیهم السلام برایتان در کتاب ره توشه‌ی دیدار زده‌ام، گفتیم: همان‌طور که تابلوهای نقاشی که نقاشان عاشق و ارادتمند به ائمه علیهم السلام در قالب تمثال‌هایی، شمال‌هایی از ائمه می‌کشند همه‌ی هنر خودشان را به کار می‌برند که زیباترین، جذاب‌ترین و دلرباترین صورت را بکشند و این را به وجود مقدس امیرالمؤمنین، به وجود مقدس اباعبدالله یا به وجود مقدس پیامبر خدا و یا دیگر اعضای اهل بیت علیهم السلام. اما بین اینکه این شخص با توانمندی‌های هنری و خلاقیت‌های هنری خودش کشیده با حقیقت وجودی آن بزرگوار فاصله خیلی زیاد است، آنچه را که اندیشمندان و دانشمندان با قلم نگارش خودشان در ترسیم شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قالب تألیفات عظیمشان نگاشته‌اند به منزله‌ی همان شمایل و تمثال‌هاست یعنی فقط بخشی از حقیقت که در

این آینه‌ی محدود ذهن آنها تجلی کرده دیده‌اند و نوشته‌اند اما فاصله بین آنچه که اینها نوشته‌اند و حقیقت وجودی اهل بیت علیهم‌السلام بسیار است گفت:

تفاوت از زمین تا آسمان است

میان ماه من با ماه گردون

به هر حال امام صادق علیه‌السلام فرمودند: به این خاطر به حضرت فاطمه علیها‌السلام فاطمه می‌گویند که خلق از شناخت آن حقیقت، سر بزرگ عالم هستی و دستگاه آفرینش که وجود مطهر حضرت فاطمه علیها‌السلام بریده شده‌اند، محرومند. این شناخت شخصیت حضرت علیها‌السلام به یک تعبیر هم می‌شود گفت که وجود مطهر حضرت زهرا علیها‌السلام لیل است، چرا؟ چون قبر مطهر آن حضرت هم ناشناخته هست. ان شاء الله خدا نصیب کند به مدینه مشرف شوید، شهری که شهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و شما در این شهر قبرستان بقیع را می‌بیند، قبر صحابه‌ی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنجا یک به یک تعریف شده است قبر همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبرستان آنجا مشخص است غیر قبر حضرت خدیجه علیها‌السلام که در یک قبرستان علی حده، در شعب ابی طالب علیها‌السلام است اما این سؤال بزرگ وجود دارد که این پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک دختر هم داشت که قرآن این همه از شخصیت او تجلیل کرد و اجر رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اجر آن همه‌ی زحمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قرآن مودّه فی القربی معرفی شد، پس آن دختر کجاست؟ لذا حضرت زهرا علیها‌السلام لیل هستند حتی قبر حضرت هم مخفی است جزء اسرار عالم خلقت است. شنیدید که یکی از بزرگان با حال خاصی چهله گرفت و آنچه پیش گرفته بود را رها نکرد و از خدا خواست جای قبر را مطهر فاطمه زهرا علیها‌السلام را به او نشان دهند و دیدید به هر حال به او گفتند که: این ستی است که باید تا زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام مخفی بماند این را نخواه، این سر پرده برداشتنی نیست.

۲- این حدیث شریف را که حدیث قدسی است را مکرر شنیده‌اید که خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: ای پیامبر لو لاک لما خلقت الافلاک: اگر ای رسول، تو نبودی همه‌ی افلاک را نمی‌آفریدم، همه‌ی آفرینش و خلقت را نمی‌آفریدم.

چرا که یک باغبانی که یک باغ بزرگی را با زحمت خودش، زمین را بیل می‌زند، علف‌های هرزه‌اش را کنار می‌ریزد، نهال را در آنجا هرس می‌کند، جوی آبی را به سمت آن درخت می‌کشد و آب را در آن جوی جاری می‌کند، به این درخت کود می‌دهد، سموم دفع آفات می‌زند، مدت‌های مدید از این درخت نگهداری می‌کند، زحمت می‌کشد، تمامی اینها به خاطر چیست؟ به خاطر آن گلی است که این درخت قرار است بدهد، به خاطر آن میوه‌ای است که این شجره باید به بار بنشانند که اگر نبود این گل معطر، اگر نبود آن میوه شیرین، هرگز این باغبان آن زمین را بیل نمی‌زند، هرگز آن نهال را هرس نمی‌کرد، هرگز جویبار آبی جاری نمی‌کرد، هرگز کود نمی‌داد، هرگز سموم دفع آفات نمی‌زد، هرگز علف‌های هرزه را کنار این درخت هرس نمی‌کرد، همه‌ی اینها به خاطر وجود آن گل معطر، آن میوه‌ی شیرین این درخت است، درخت آفرینش هم این‌گونه است،

این درخت آفرینش هم گل سر سبد دارد که وجود مقدس پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که گل معطر این درخت، میوه‌ی شیرین درخت آفرینش وجود مقدس پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و لذا اگر چنین گلی نبود، خدای متعال از آغاز این درخت را هرس نمی‌کرد لذا فرمود: ای پیامبر ما لولاک ما خلقت الافلاک: اگر تو نبودی من همه‌ی افلاک را نمی‌آفریدم، همه‌ی جهان خلقت را نمی‌آفریدم. همه‌ی آفرینش مقدمه‌ی به وجود آمدن تو بوده است.

بعد فرمود: و لو علی ما خلقتک: ولی ای پیامبر ما بدان! اگر علی عَلِيٌّ نبود ما تو را هم نمی‌آفریدیم و بعد فرمود: و لو لا فاطمة لما خلقتکما: اگر فاطمه عَلِيَّةٌ نبود هر دوی شما پیامبر و علی عَلِيٌّ را نمی‌آفریدیم.

این حدیث خیلی عجیب است و بسیاری از اهل معرفت در درک و فهم این حدیث درمانده‌اند که واقعاً حقیقت این حدیث چیست؟ چه می‌خواهد بگوید؟ من یک اشاره‌ای در یکی از پاورقی‌های کتاب ره توشه‌ی دیدار، یکی از معانی که احتمالاً می‌تواند داشته باشد کرده‌ام. آنجا گفتم که وجود پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که خاتم النبیین است و مقام نبوت دارد باطن این نبوت ختمیه‌ی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ولایت مطلقه‌ی علویه است. فرد باید به خدا نزدیک شود و با او تماس بگیرد تا خبری را به او بدهند و مأموریت بدهند که این خبر را به دیگران برساند، آن جنبه‌ای که آن خبر را می‌رساند جنبه‌ی نبوت، انباء، خبر رسانی است اما آن جنبه‌ای که خبر را از طریق وصل و ارتباط دریافت می‌کند آن جنبه‌ی ولایت است لذا باطن نبوت ختمیه، ولایت علویه است. پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین عَلِيٌّ فرمودند: یا علی کنت مع الانبیاء سرّاً و معی سرّاً و جهرّاً: ^۲ یا علی تو با همه‌ی انبیا در سرشان بودی - همه‌ی انبیا از طریق تو به عالم بالا وصل می‌شدند و آن معارف و حقایق را دریافت می‌کردند و بعد وظیفه‌ی انباء و خبررسانی به دیگران بر دوششان گذاشته می‌شد لذا در سیر همه‌ی انبیا عَلِيٌّ تو وجود داشتی، تو حضور داشتی، موسای کلیم الله، عیسیای روح الله، ابراهیم خلیل الله، نوح نبی الله، آدم صفة الله همه‌ی انبیا الهی عَلِيٌّ در باطنشان به تو وصل بودند، چیزی را که خدا به آنها عطا می‌کرد از تو می‌گرفتند - بعد فرمودند: و معی سرّاً و جهرّاً: با من رسول الله با من خاتم النبیین هم در سر و باطن هستی، هم در جهر و آشکار هستی - که ظاهراً خلقت خارجی تو هم مشهود است و دیگران هم تو را در کنار من به عنوان پسر عمو و برادر من و داماد من می‌بینند. بنابراین حالا ببینیم بین این دو تا کدام یک افضل است؟ آن جنبه‌ی وصل شدن به خدا و دریافت و یا آن جنبه‌ی وصل شدن به خلق و انباء و اخبار؟ قطعاً آن جنبه‌ی دریافت و ارتباط، لذا اگر آن جنبه‌ی ارتباط باطن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خدا نبود این جنبه‌ی ارتباط ظاهر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خلق هم منتفی بود لذا فرمود: لو لا علی لما خلقتک: بعد فرمود: لو لا فاطمه لما خلقتکما: اگر فاطمه عَلِيَّةٌ نبود هیچ‌کدام شما دو تن را نمی‌آفریدم. یعنی چه؟ باطن ولایت مطلقه‌ی علویه، عصمت مطلقه‌ی الهیه فاطمیه است. لذا آن وصل شدن از باطن و سر حضرت حق به

برکت وجود عصمت مطلقه‌ی فاطمه علیها السلام است. بنابراین اگر آن عصمت مطلقه نبود، ولایتی نبود و اگر ولایتی نبود نبوتی نبود. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام عصمت الله الکبری است.

حدیث بعدی را از صفحه ۵۲ جلد ۴۳ بحارالانوار برایتان می‌خوانم.

۲- عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ حَوَاءَ تَبَخَّرَا فِي الْجَنَّةِ وَ قَتِي كَمَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَحَضَرَ آدَمَ بِه حَوَاءُ كَفَتْ: خدای متعال هیچ مخلوقی را نیکوتر و زیباتر و بهتر از ما دو نفر نیافریده است. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنْتَ بَعْدِي الْفَرْدَوْسَ الْأَعْلَى، خدای متعال به جبرئیل وحی کرد که ای جبرئیل: این دو بنده‌ی من، آدم و حوّا را به آن فردوس اعلی ببر. فَلَمَّا دَخَلَا الْفَرْدَوْسَ نَظَرَا إِلَى جَارِيَةٍ عَلَى دُرْتُوكٍ مِنْ دَرَانِيكٍ الْجَنَّةِ. هنگامی که آدم و حوّا در آن فردوس اعلی الهی داخل شدند نگاهشان به یک بانویی که بر روی فرشی از فرش‌های بهشتی که گسترده شده بود قرار داشت افتاد وَ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ بِر سر این بانوی بزرگوار تاجی از نور نهاده شده بود وَ فِي أُذُنَيْهَا قُرْطَانٌ مِنْ نُورٍ قَدْ أَشْرَقَتْ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا وَ بِر دو گوش این بانوی مطهر دو گوشواره از نور آویخته بود، از حسن و زیبایی این بانو بهشت نورانیت پیدا کرده بود و روشن شده بود. فَقَالَ آدَمُ حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ مَنْ هَذِهِ الْجَارِيَةُ الَّتِي قَدْ أَشْرَقَتْ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا آدَم علیها السلام به جبرئیل گفت: ای دوست من ای جبرئیل! این خانم بزرگواری که از زیبایی و حسن، چهره‌ی او همه‌ی بهشت روشن شده، کیست؟ فَقَالَ هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيٍّ مِنْ وَ لَدَيْكَ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ جِبْرِئِيلُ كَفَتْ: ای آدم! این فاطمه دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پیامبری از فرزندان تو در آخر الزمان خواهد بود. قَالَ فَمَا هَذَا التَّاجُ الَّذِي عَلَى رَأْسِهَا آدَم كَفَتْ: پس آن تاج نورانی که بر سر اوست چیست؟ قَالَ بَعْلُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: این تاج شوهر بزرگوار او علی بن ابیطالب علیها السلام است. قَالَ فَمَا الْقُرْطَانِ اللَّذَانِ فِي أُذُنَيْهَا آدَم كَفَتْ: پس این گوشواره که بر گوش‌های این بانو هستند چیست؟ قَالَ وَ لَدَاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. جبرئیل گفت: این دو گوشواره هم فرزندان او هستند حسن و حسین علیهم السلام قَالَ آدَمُ حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ أَمْ خُلِقُوا قَبْلِي آدَم كَفَتْ: ای دوست من! فاطمه و شوهرش و دو فرزندش علیهم السلام پیش از من خلق شده‌اند؟ چون آدم علیها السلام می‌دانست اولین هنری است که خلق می‌شود. قَالَ هُمْ مَوْجُودُونَ فِي غَامِضِ عِلْمِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ بِأَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ. جبرئیل به آدم عرض کرد که: بله، اینها در علم پیچیده‌ی الهی موجود بودند ۴۰۰۰ سال قبل از اینکه تو آفریده شوی.

که نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌نشان

بودم آن روز من از طایفه‌ی درد کشان

۳- حدیثی داریم قریب به این مضمون: رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ رَائِحَةُ السَّقْرَجَلِ وَ رَائِحَةُ الْحُورِ الْعَيْنِ رَائِحَةُ الْأَسِّ وَ رَائِحَةُ الْمَلَائِكَةِ رَائِحَةُ الْوَرْدِ. عطر انبیاء الهی عطر به، چون می‌دانید هر چیزی در این عالم عطر و بویی دارد حال چه عطر خوش چه بوی ناخوش، همه چیز، افکارها، سخنانها، رفتارهای ما، خلقیات ما، همه چیز در این عالم یک بویی دارد جنت‌ها این بو را با شامه‌ی باطنی می‌شود استشمام کرد نه با شامه‌ی ظاهری، این شامه‌ی ظاهری همین بوهای عادی را بیشتر از این نمی‌تواند استشمام کند اما یک شامه‌ای در باطن انسان هست که اگر آن بیدار شود می‌تواند عطرها را باطنی را استشمام کند لذا بزرگانگی که این بیداری در آنها هست با بو کشیدن، از عطر و بو به خیلی از حقایق راه می‌برند، اولیاء خدا را با بو کشیدن پیدا می‌کنند. حاج آقا دولابی می‌فرمودند: در مصباح الهدی هم من نوشتم، حاج هادی ابهری که او هم از عاشقان مجنون اباعبدالله علیه السلام بود و رفیق حاج آقا دولابی علیه السلام می‌فرمودند: او از بو تشخیص می‌داد، در کوچه‌ها می‌رفت از بو تشخیص می‌داد که در این خانه اخیراً یک زائر کربلا آمده است، می‌فرمودند: بو می‌کشید من را هر جا که بودم پیدا می‌کرد با بو کشیدن با آن شامه‌ی باطنی.

هر چیزی بویی دارد ان شاء الله که آن بو و رائحه‌ای که از وجود ما ساطع می‌شود عطرآمیز باشد، بویی باشد که امام عصر علیه السلام و اولیاء الهی وقتی استشمام می‌کنند خشنود شوند لذت ببرند خدایی ناکرده خلقیات و رفتار و گفتار ما، حالتان طوری نباشد که آن بزرگواران را متأذی کند علی‌ای حال، این حدیث فرمود که: عطر پیامبران الهی عطر به و عطر حوریان بهشتی عطر مشک یا عطر گل یاس و رایحه و عطر ملائکه عطر گل سرخ عطر گل محمدی صلی الله علیه و آله است. بعد فرمودند: وَ رَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَمَّا بُوِي خُوشِ دَخْتَرَمِ رَائِحَةُ السَّقْرَجَلِ وَ الْأَسِّ وَ الْوَرْدِ عَطْرٌ بِه و مَشْكٌ وَ گل سرخ. آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

۴- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لو كان حسنُ شخصاً لكن فاطمة بل هي اعظم. اگر همه‌ی خوبی‌ها، زیبایی‌ها، همه‌ی نیکویی‌ها عالم به صورت یک شخص متبلور و متجسم می‌شد، فاطمه علیه السلام می‌شد. بعد فرمودند: بلکه فاطمه علیه السلام بزرگتر و بالاتر از اوست. در واقع همه‌ی حسن‌های عالم هستی رشحه است از حسن فاطمه زهرا علیه السلام لذا آن کانون بالاتر است، آن علت است و اینها معلول‌اند، علت اشد و اقوی از معلول است. علت همه‌ی حسن‌های هستی وجود مطهر حضرت فاطمه زهرا علیه السلام است لذا اگر همه‌ی معلول‌ها را جمع کنی علت نمی‌شود لذا فرمود: بل هي اعظم بعد فرمودند: ان ابنتی فاطمة خیر اهل الارض عنصراً و شرفاً و کراماً.^۲ دختر من فاطمه علیه السلام بهترین اهل زمین است هم از نظر عنصر و خمیره‌ی وجودی هم از نظر شرافت هم از نظر کرامت.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۱۷۷.

۵- حدیث از صفحه‌ی ۲۱ جلد ۴۳ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْأَعْطَارِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا مِی گوید: عرض کردم به امام صادق علیه السلام که این سخن پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: فاطمه علیها السلام سرور بانوان بهشت است آیا سرور بانوان عصر خودش بود؟ قَالَ تَاكَ مَرِيْمٌ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.^۱ فرمود: او مریم علیها السلام مادر حضرت عیسی علیه السلام بود اما فاطمه علیها السلام سرور بانوان بهشت است از اولین تا آخرین.

یعنی سروری فاطمه زهرا علیها السلام مطلق است نسبت به همه‌ی زنان تاریخ خلقت اما مریم علیها السلام نسبت به عصر و دوره‌ی خودش برتری دارد.

حدیث‌های فراوانی داریم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که اگر جزء به جزء بخوانم متعده می‌شود، اشاره می‌کنم، که تعبیرهای بسیار لطیفی ایشان راجع به حضرت زهرا علیها السلام به کار برده‌اند.

۶- فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۲ فاطمه علیها السلام یک بخش از وجود من است.

۷- فَاطِمَةَ شِجْنَةً مِنِّي.^۳ این شجنه هم به معنی بضعه است.

۸- فَاطِمَةَ شَعْرَةً مِنِّي.^۴ (این تعبیر خیلی لطیف است) فاطمه علیها السلام گیسوی من است. همان‌طور که زیباروترین زیبارویان اگر سرشان را بتراشند دیگر با آن قیافه جذابیّت و زیبایی ندارد، این گیسو و مو هست که به چهره زیبایی می‌بخشد یعنی سفیدی و زیبایی چهره در کنار سیاهی گیسوان است که نمود پیدا می‌کند و گیسو هم معمولاً مشکی است، لیل بودن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام یعنی وجود فاطمه علیها السلام است که حسن مرا آشکار می‌کند تعبیر خیلی لطیفی است.

۹- فَاطِمَةُ نُورٌ عَيْنِي.^۵ فاطمه علیها السلام نور دیدگان من است.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

چون دیدگان انسان اگر نور نداشته باشند هیچ چیزی را نمی‌تواند ببیند و فاطمه علیها السلام نور دیده‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله است، دیده‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله که عین الله هستند اگر رسول الله صلی الله علیه و آله عین الله هستند و فاطمه علیها السلام نور عین رسول الله صلی الله علیه و آله هستند پس نور چشم خدا هم هستند فاطمه زهرا علیها السلام.

۱۰- فاطمه علیها السلام که مطهرترین قلب عالم خلقت و جهان و جهان آفرینش است، این یک کشتگاه و مزرعه هست که در این مزرعه خدای متعال کشت می‌کند، آن کارگر و مأمورش کیست؟ جبرئیل امین، چه تخمی می‌کارد؟ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ^۱

روح الامین این قرآن را در دل تو کاشت و نازل کرد. سپس خدای متعال به دست جبرئیل این تخم قرآن را در قلب رسول الله صلی الله علیه و آله کاشت. این تخم را وقتی کاشت میوه‌اش چه شد؟ فاطمه ثَمَرَةٌ فُؤَادِي^۲. یعنی قرآن که در قلب رسول الله صلی الله علیه و آله کاشته شد میوه‌ای که از او روئید وجود مطهر فاطمه زهرا علیها السلام بود.

۱۱- فاطمة رُوحِي الْتِي بَيْنَ جَنُبِي^۳ فاطمه علیها السلام روح من است که بین دو پهلوئی من است. یعنی فاطمه علیها السلام جان من است، بدون فاطمه علیها السلام من را دوست بدارید مرا دوست داشتید اگر کسی مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته اگر نسبت به فاطمه علیها السلام اعمال بغض و کینه کنید نسبت به من کردید اگر نسبت به من اعمال بغض و کینه کنید نسبت به خدا اعمال بغض و کینه کرده‌اید کسی که فاطمه علیها السلام را خوشحال کند من را خوشحال کرده کسی مرا خوشحال کند خدا را خوشحال کرده کسی فاطمه علیها السلام را خرسند کند مرا خرسند کرده کسی مرا خرسند و راضی کند خدا را خرسند و راضی کرده، کسی فاطمه علیها السلام را به خشم آورد مرا به خشم آورده و هر که مرا به خشم آورد خدا را به خشم آورده کسی فاطمه علیها السلام را بیازارد هر آینه مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

۱۳- حدیث دیگر صفحه‌ی ۲۶ با یک تعبیر و در صفحه‌ی ۲۹ با تعبیر دیگر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله صفحه‌ی ۲۹: قَالَ إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَ يَقِينًا^۴ هر آینه خدای متعال قلب و پیکر و روح و جان و بدن دخترم فاطمه علیها السلام را از ایمان و یقین پر و سرشار کرده است. وجود مطهر فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ظاهر و باطنش تبلور ایمان و یقین است. تعبیر دوم

۱- سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹.

در صفحه ۴۶ پیغمبر ﷺ به سلمان فارسی رضی الله عنه فرمودند: **إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا**.^۱ هر آینه خدای متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه رضی الله عنها را تا مغز استخوان او را سرشار از ایمان و یقین کرد.

پیغمبر اکرم خطاب به فاطمه ی زهرا رضی الله عنها فرمودند: و الذی بعثنی بالحق سوگند به آن خدایی که من خاتم النبیین را به حق مبعوث به رسالت کرد، این قسم به این بزرگی، قسم جلاله را، آن هم رسول خاتم رضی الله عنه می خورند، برای چه؟ فرمودند: لقد بکا لبکائک عرش الله و ما حوله من الملائکة السموات و الأرضون و ما فیها.^۲ فرمودند: ای فاطمه هر آینه در اثر گریه ی تو عرش الهی و همه ملائکه ای که در اطراف عرش هستند و ملائکه ی آسمان ها و زمین و همه ی موجوداتی که در آسمان و زمینند در اثر گریه ی تو به گریه در می آیند. همه ی هستی با فاطمه رضی الله عنها می گرید و می خندد. وقتی قلب آدم شاد می شود همه ی وجود آدم می خندد، چهره ی آدم باز می شود لب های آدم می شکفتد، همه ی وجود آدم می خندد و چون فاطمه رضی الله عنها قلب آدم وجود است وقتی فاطمه رضی الله عنها می خندد همه ی عالم وجود می خندد وقتی فاطمه رضی الله عنها می گرید همه ی عالم وجود با او می گرید.

۱۶- حدیث بعدی صفحه ۲۵ از عایشه گفت: الفضل ما شهدت به الاعداء.^۳ فضیلت آن است که دشمن شهادت به آن

دهد.

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ مَا رَأَيْتُ مِنْ النَّاسِ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ.^۴ هیچ کس را شبیه تر به پیامبر رضی الله عنه در سخن گفتن و حرف زدن از فاطمه رضی الله عنها ندیدم.

۱۷- صفحه ۶۸، اسامه بن حادته نقل می کند: **مَرَرْتُ بِعَلِيٍّ وَ الْعَبَّاسِ وَ هُمَا قَاعِدَانِ فِي الْمَسْجِدِ**، از مسجد عبور کردم امیرالمؤمنین رضی الله عنه و عباس عموی پیغمبر در مسجد نشسته بودند، بر آنها گذشتم فقالا **يَا أُسَامَةَ اسْتَأْذِنُ لَنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص**. به من گفتند: ای اسامه برو از پیغمبر رضی الله عنه اجازه بگیر که خدمتشون برسیم. چون می دانید پدر اسامه که زید ابن حارثه بود پسر خوانده ی پیغمبر رضی الله عنه بود اسامه هم به منزله ی نوه خوانده ی پیغمبر رضی الله عنه بود لذا در خانه ی پیغمبر رضی الله عنه بود و رفت و آمد داشت. **فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِيٌّ وَ الْعَبَّاسُ يَسْتَأْذِنَانِ**، می گوید: من به پیغمبر رضی الله عنه عرض کردم: یا رسول الله این علی رضی الله عنه و عباس هستند برای آمدن خدمت شما اذن می خواهند.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.

۲-

۳- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵.

فَقَالَ هَلْ تَدْرِي مَا جَاءَ بِهِمَا؟ پیغمبر ﷺ فرمودند: می‌دانی اینها برای چه آمده‌اند؟ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ مَا أَدْرِي. گفتیم: نه! به خدا نمی‌دانم برای چه آمده‌اند که می‌خواهند خدمت شما برسند. قَالَ لَكِنِّي أَدْرِي مَا جَاءَ بِهِمَا فَأَذِنَ لَهُمَا. پیغمبر ﷺ فرمودند: ولكن من می‌دانم برای چه آمده‌اند، پس اذن بده که اینها بیایند، وارد شوند. فَدَخَلَا فَسَلَّمَا ثُمَّ قَعَدَا، امیرالمؤمنین علیؑ و عباس وارد شدند و به پیامبر ﷺ سلام کردند و در محضر رسول خدا ﷺ نشستند. فَقَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ أَهْلِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ گفتند: ای رسول خدا کدام یک از خویشاوندان تو، اعضای خاندان و خانواده‌ی تو نزد تو محبوب‌تر از همه است؟ قَالَ فَاطِمَةَ. حضرت فرمودند: فاطمه علیؑ از همه‌ی بستگان من نزد من محبوب‌تر و دوست‌داشتنی‌تر است.

۱۸- این حدیث از ام سلمه همسر دیگر پیامبر ﷺ است که بر خلاف قبلی زن بزرگواری است. وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ أَشْبَهَ النَّاسِ وَجْهًا وَشَبَّهَا بِرَسُولِ اللَّهِ. ام سلمه گفت: فاطمه علیؑ شبیه‌ترین مردم از نظر قیافه و چهره و شباهت به پیامبر ﷺ است.

۱۹- صفحه‌ی ۷۸ از حدیثه حدیث هست، كَانَ النَّبِيُّ لَا يَنَامُ حَتَّى يُقْبَلَ عَرْضَ وَجَنَةِ فَاطِمَةَ أَوْ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا. خدیفه گفت که پیغمبر اکرم ﷺ شب‌ها نمی‌خوابید مگر اینکه تمام پیشانی فاطمه علیؑ را غرق بوسه کند یا بین دو سینه او را ببوسد. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَنَامُ حَتَّى يَضَعَ وَجْهَهُ الْكَرِيمَ بَيْنَ ثَدْيَيْ فَاطِمَةَ. امام صادق علیؑ فرمودند که پیغمبر اکرم ﷺ نمی‌خوابید مگر اینکه قبل از آن سرش را بین دو سینه‌ی فاطمه علیؑ قرار دهد و آرام گیرد و آن وقت می‌خوابید. این محبت پیغمبر ﷺ را می‌رساند.

۲۱- صفحه‌ی ۲۵ باز از همان همسر ناقلای رسول الله ﷺ است. كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا وَقَبَلَ يَدَيْهَا هَنَكَمِيَّ كَمَا فَاطِمَةَ عَلِيًّا بِرَسُولِ اللَّهِ وَارِدَ مِي شَدَّ بِه فَاطِمَةَ عَلِيًّا خَيْرَ مَقْدَمِ مِي كَفْتُ وَ دَسْت‌هَی فَاطِمَةَ عَلِيًّا رَا مِي بوسید. رسول خاتم ﷺ که همه‌ی هستی او را می‌بوسند خم می‌شدند و دست

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۸

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۵

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۸

فاطمه عليها السلام را می‌بوسید و *أَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ*^۱ و بعد پیغمبر صلى الله عليه وآله هم بلند می‌شدند آنجایی که خودشان نشسته بودند فاطمه عليها السلام را می‌نشانند بعد خودشان جلوی فاطمه عليها السلام می‌نشستند.

۲۲- صفحه ۴۰ از عایشه: *أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبَلَ رَأْسَهَا وَأَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ* هنگامی که فاطمه عليها السلام بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وارد می‌شدند، پیامبر صلى الله عليه وآله در برابر فاطمه عليها السلام تمام قد می‌ایستادند به احترام، دست‌های فاطمه عليها السلام را می‌بوسیدند و فاطمه عليها السلام را بر جای خود می‌نشانند و *إِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَقَبَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَجَلَسَا مَعًا*^۲ و هنگامی که پیامبر صلى الله عليه وآله به دیدار فاطمه عليها السلام می‌آمدند هر کدام از این دو همدیگر را می‌بوسیدند و با هم هم‌مجلس شدند و با هم سخن می‌گفتند.

۲۳- صفحه ۴۰ ابو ثعلبه‌ی خشنی نقل می‌کند: *كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ يَدْخُلُ عَلَى فَاطِمَةَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ إِلَيْهِ وَاعْتَقَتْهُ وَقَبَلَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ*^۳. وقتی که رسول خدا صلى الله عليه وآله از سفر باز می‌گشت اولین جایی که وارد می‌شد در آن‌جا خانه‌ی فاطمه عليها السلام بود و فاطمه عليها السلام در برابر پدر می‌ایستاد، قیام می‌کرد و این پدر و دختر صلى الله عليه وآله با هم دیگر معانقه می‌کردند و فاطمه عليها السلام بین دو چشم پیامبر صلى الله عليه وآله و پیشانی ایشان را بوسه می‌زد.

۲۴- صفحه ۴۰ از عکرمه نقل شده: *كَانَ النَّبِيُّ إِذَا قَدِمَ مِنْ مَغَازِيهِ قَبَلَ فَاطِمَةَ*^۴. وقتی پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله از جنگ‌ها و عزوایش باز می‌گشت برای اینکه این سنگینی و سختی و خستگی بار این جنگ از وجود مطهرش فرو بنشیند می‌آمد و بر گونه‌ی فاطمه عليها السلام بوسه می‌زد.

۲۵- صفحه ۴۰ از ابن عمر نقل شده: *كَانَ النَّبِيُّ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا كَانَ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ وَإِذَا قَدِمَ كَانَ أَوَّلَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَضْلٌ عَظِيمٌ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ يَفْعَلُ مَعَهَا ذَلِكَ إِذْ كَانَتْ وَكَلَدَهُ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ بِتَعْظِيمِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدِ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَفْعَلَ مَعَهَا ذَلِكَ وَ هُوَ بَصِيٌّ مَا أَمَرَ بِهِ أُمَّتُهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى*^۵. هنگامی که پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

اراده‌ی سفری می‌کرد می‌خواست از مدینه خارج شود آخرین خانه‌ای که از آن خارج می‌شد خانه‌ی فاطمه علیها السلام بود و هنگامی که باز می‌گشت به مدینه، اولین خانه‌ای که وارد می‌شد و اولین شخصی که با او دیدار می‌کرد فاطمه علیها السلام بود. اگر نبود مقام عظیم فاطمه علیها السلام در نزد خدای متعال پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کاری با او نمی‌کرد چون فاطمه علیها السلام فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و خدای عظیم امر کرد که فرزند پدر را بزرگ بدارد و احترام کند و جایز نبود که پیغمبر صلی الله علیه و آله با دختر خودش چنین کاری را انجام دهد به ضد آن چیزی که خودش امر می‌کرد که امتش انجام دهند.

فرزندان باید در برابر پدر کرنش و کوچکی نشان دهند نه پدر در برابر فرزند و این رفتاری که متفاوت با آنچه دیگران را توصیه می‌کرد نشان دهنده‌ی جایگاه بلند و عظیمی است که فاطمه علیها السلام در پیشگاه خدا دارد.

۲۶- از زراره هست از امام باقر علیه السلام: إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ سَلَّمَ عَلَى مَنْ أَرَادَ التَّسْلِيمَ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ يَكُونُ آخِرُ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ فَيَكُونُ وَجْهَهُ إِلَى سَفَرِهِ مِنْ بَيْتِهَا وَإِذَا رَجَعَ بَدَأَ بِهَا. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی اراده سفر می‌کردند می‌رفتند با هر کسی که قصد خداحافظی می‌کردند آخرین کسی که با او خداحافظی می‌کردند فاطمه علیها السلام بود و بعد از خانه‌ی فاطمه علیها السلام به سمت آن مسافرتشان حرکت می‌کردند و هنگامی هم که از سفر باز می‌گشتند ابتدا می‌کردند به ورود به خانه‌ی فاطمه علیها السلام.

۲۷- صفحه‌ی ۴۲ عَنِ الصَّادِقِ أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَأَنْكَرَتْ عَلَيْهِ بَعْضُ نِسَائِهِ

فاطمه علیها السلام خانم بزرگی شده بودند و شوهر و فرزند داشتند اما پیغمبر صلی الله علیه و آله او را غرق بوسه می‌کرد، پیشانی‌اش، گونه‌اش و بین دو سینه‌اش را غرق بوسه می‌کرد، بعضی از زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله که معلوم است از بعضی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند، همان ناقلاها، اینها ناراحت شدند یا حسودی کردند یا به هر حال چشم نداشتند این محبت پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را ببینند اعتراض کردند که این چه کاری است؟ این دیگر زن بزرگی است جا ندارد شما این‌گونه با او رفتار کنید. فَقَالَ إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جِبْرِئِيلُ. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که من به معراج رفتم، به آسمان جبرئیل دست مرا گرفت فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ پس مرا وارد بهشت کرد فَنَاولَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهَا و بعد از رطب و خرما‌ی تازه‌ی بهشت به من خوراند و من خوردم فِي رِوَايَةٍ فَنَاولَنِي مِنْهَا تَفَاحَةً فَأَكَلْتُهَا. در روایت دیگری هم هست که سیبی از سیب‌های بهشت را جبرئیل به من داد و من خوردم فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي. بعد این رطب یا سیبی را که خوردم به نطفه‌ای در صلب من تبدیل شد فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ هنگامی که به زمین آمدم با همسرم خدیجه علیها السلام آمیزش کردم و او به فاطمه علیها السلام حامل شد فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ. پس فاطمه علیها السلام حوریه‌ای بهشتی است که در

پیکر انسان متجسد شده و پیکر انسانی گرفته است. فَكَلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي^۱ و هر وقت من مشتاق بوی بهشت می شوم دختر خودم فاطمه علیها السلام را می بویم و از او عطر بهشت را استشمام می کنم.

۲۸- صفحه ۵۵ حدیث از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که سلسله‌ی روایتش هم جالب است. عَنْ عَلِيٍّ عَنِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَحَقَّهُ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.^۲ امیرالمؤمنین از فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نقل می کند که حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای فاطمه هر کس بر تو صلوات بفرستد خدا همه‌ی گناهان او را می بخشد و در بهشت هر جا من رسول الله هستم او را به من ملحق می کند.

صلوات مخصوص حضرت زهرا علیها السلام: اللهم صل علی فاطمة و آبیها و بعلها و بنیها بعدد ما أحاط به علمک. خدایا درود بفرست بر فاطمه و پدرش و شوهر و دو فرزند و دو پسر فاطمه علیها السلام به عدد آنچه که علم توی خدا به او احاطه دارد. که خیلی هم مجرب است این صلوات را با وضو رو به قبله صد بار بفرستید آثار خاصی دارد (سؤال واضح نبود) آن صلوات نیست در واقع دعاست. اللهم انی اسئلك بحق فاطمة و آبیها و بعلها و بنیها و السر المستودع فیها أن تصلی علی محمد و أن تفعل بی ما انت اهل و لا تفعل بی ما أنا اهل. خدایا! من از تو درخواست می کنم، مسئلت می کنم به حق فاطمه علیها السلام و پدر و شوهر و دو پسر فاطمه و آن سری که در وجود فاطمه علیها السلام به ودیعت گذاشتی بر محمد و آل محمد درود بفرست و آن گونه که خود تو اهل آن هستی با من رفتار کن نه آن گونه که من اهل آن هستم.

یعنی من اهل غفلتم، اهل معصیتم، اهل زشتی‌ها و آلودگی‌ها اما تو اهل کرمی اهل بخششی، تو اهل عفوی تو اهل تقوایی تو اهل مغفرتی، آن گونه که تو اهلش هستی با من رفتار کن.

سر مستودع در وجود مطهر حضرت زهرا علیها السلام یکی از احتمالاتی که داده اند وجود مقدس حضرت بقیة الله علیها السلام است که آن سر مخفی در وجود فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. این هم که گفتیم این هم یادتان باشد که در یکی از تشریفات که مرحوم آیت الله نجفی مرعشی که انسان بزرگی بود خیلی اهل معرفت و لطافت و ولایت بود که خدمت حضرت ولی عصر علیها السلام دارند، توصیه‌هایی حضرت به ایشان می کند ۱۷ توصیه است که یکی از آنها خواندن سوره‌ی واقعه که بین نماز مغرب و عشا از شما خواندنش ترک نشود (فقط برایتان بگویم اگر کسی شب جمعه موفق به مداومتش باشد به ملاقات امیرالمؤمنین علیها السلام نائل می شود، خیلی برکات زیادی دارد گفتم این سوره، سوره‌ی مختص امیرالمؤمنین علیها السلام این هم حدیثش از امام رضا علیها السلام است ظاهراً فرمودند: اگر کسی شب‌های جمعه به خواندن سوره‌ی واقعه مداومت کند به دیدار امیرالمؤمنین علیها السلام نائل می شود). یکی

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۲.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۵.

دیگر از توصیه‌هایی که در آن ۱۷ مورد است که فرمودند: این دعا را در قنوت نمازهایت مداومت کن. در قنوت نمازهایتان ان شاء الله موفق باشید این دعا را بخوانید.

۲۹- حدیث بعدی جلد ۲۷ صفحه ۱۱۶ از سلمان فارسی است قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي

فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ. ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد او در بهشت همراه و هم خانه و همنشین من است چون می‌دانید بهشت طبقات و مراتب و درجاتی دارد که قلّه و اوج بهشت جای رسول الله صلی الله علیه و آله است کسی می‌خواهد برود در اوج و قلّه‌ی بهشت در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله منزل داشته باشد و همسایه و هم‌خانه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله شود عشق به فاطمه زهرا علیها السلام داشته باشد و مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ هر کس کینه‌ی فاطمه علیها السلام را در دل داشته باشد او در آتش دوزخ است یا سَلْمَانَ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مَوْطِنٍ ای سلمان! محبت فاطمه علیها السلام در صد موقف و موضع برای انسان سودمند است أُيْسِرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصَّرَاطُ وَالْمُحَاسِبَةُ. فرمود: کوچک‌ترین و ساده‌ترین از آن صد جا که محبت فاطمه زهرا علیها السلام بر داد انسان می‌رسد و به حال انسان سودمند است اینهاست یکی لحظه‌ی جان دادن (که پناه بر خدا که لحظه‌ی عجیبی است) وَالْقَبْرُ، در عالم برزخ در عالم قبر و فشار قبر و عذاب قبر و عالم برزخ و امثال اینها وَالْمِيزَانُ، آنجایی که می‌خواهند اعمال خوب و بد انسان، اخلاق خوب و بد انسان، افکار و عقائد خوب و بد انسان را بسنجند آنجا هم محبت فاطمه زهرا علیها السلام کفه‌ی خوبی‌های انسان را سنگین می‌کند وَالْمَحْشَرُ آنجایی که همه‌ی مردگان محشور می‌شوند. آن التهابات عجیب، آن ترس و وحشت عجیب حضور در دادگاه الهی آن گرمای هوا که آفتاب پائین می‌آید، بالای سر انسان‌ها عمود می‌تابد که در روایات داریم که این قدر از آن حول و ترس و این گرما عرق می‌کند که تا زیر گردنشان غرق عرق‌های خودشانند، در آن صحنه‌ی وحشتناک محشر باز آنجا محبت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دستگیر و دادرس انسان است وَالصَّرَاطُ جایی که باید از آن عبور کرد، صراطی که از روی جهنم، از وسط جهنم رد می‌شود و اگر کسی سالم از آن رد شود وارد بهشت می‌شود و اگر کسی به چپ یا راست بغلزد وسط جهنم جایش است و درون آتش است. آنجا هم باز محبت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دستگیر انسان برای عبور به سلامت از صراط است که حالا صراط یک ظاهری دارد که ظاهرش در همین عالم است همین دنیا متن جهنم است ما هم داریم از صراط رد می‌شویم، صراط در واقع از متن جهنم عبور می‌کند حالا اگر به راست یا چپ نلغزیم وقتی از این صراط عبور کردیم وارد بهشت می‌شویم همان صراطی که می‌گویند: از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر و عبور از آن، آن قدر دشوار است، در این عالم مسیر راه امیرالمؤمنین علیه السلام صراط مستقیم است کسی در این خط عبور کند سر از بهشت در می‌آورد، کسی به چپ و راست بغلتند، دست راستی شود، دست چپی شود، تندرو شود کندرو شود افراطی شود تفریطی شود داخل جهنم افتاده، آن وقت باطن این در قیامت به شکل پلی است که از جهنم عبور می‌کند و وارد بهشت می‌شود، آنجا هم روی صراط محبت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به درد انسان می‌خورد وَالْمُحَاسِبَةُ، آنجایی که اعمال انسان مورد

حسابرسی قرار می‌گیرد پرونده‌ی عمر آدم را می‌آورند و حسابرسی می‌کنند آنجا هم محبت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سودمند است و انسان را نجات می‌دهد، تازه اینها کوچک‌هایش است فرمودند: **أَيَسَّرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنَ بَعْدَ فَرْمُودِنَا: فَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ رَضِيَ عَنْهُ** پس هر کسی دختر من فاطمه علیها السلام از او خرسند باشد من رسول الله از او راضی و خرسندم **وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ** و هر کسی من از او راضی و خرسند باشم خدا از او راضی است **وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبْتُ عَلَيْهِ** و هر که فاطمه علیها السلام بر او غضب کند من بر او غضب می‌کنم **وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ** و کسی که من بر او غضب کنم خدا بر او غضب می‌کند **يَا سَلْمَانَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشِيعَتَهَا** ای سلمان! وای به آن کسانی که به فاطمه علیها السلام ظلم و ستم می‌کنند و به ذریه و شیعیان فاطمه علیها السلام ستم می‌کنند.